

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)

سال پانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، پیاپی ۳۷، صص ۷۵-۱۰۶

DOI: 10.22051/tqh.2018.16529.1736

امکان سنجی تأثیر پذیری قرائت حمزه کوفی از قرائت امام صادق (ع.ا.س.)

محمد جانی پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۸/۲۲

چکیده

حمزه بن حبيب (۸۰-۱۵۶ق)، یکی از قاریان هفتگانه کوفی است که گفته شده اساسی‌ترین ویژگی قرائتش، فراگیری از طریق نقل و اثر بدون هیچ‌گونه اجتهاد و اختیار بوده به گونه‌ای که به واسطه بررسی قرائت او، می‌توان به قرائت بزرگ‌ترین مشایخ و ممتازترین اساتید قرائت از صحابه دست یافت. مسئله نقل از طریق اثر بدون اجتهاد آن‌چنان در قرائت حمزه شاخص است که برخی از عالمان این دانش راه دستیابی به قرائت صحابه را، تأمل در قرائت حمزه دانسته و با مبنا قرار دادن قرائت حمزه، به مقایسه آن با دیگر قرائت‌ها

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

پرداخته‌اند. در گزارش‌های تاریخی آمده است که وی بیشترین استفاده را از جعفر بن محمد الصادق (ع) (م ۱۴۸ق) داشته و قرآن را مستقیماً بر ایشان قرائت کرده و تنها در ۱۰ حرف با آن امام اختلاف دارد. بی‌شک اگر این‌گونه گزارش‌ها صحّت داشته باشد و قرائت حمزه نیز به‌صورت کامل در دسترس باشد، راه وصول به قرائت اهل بیت (ع) امکان‌پذیر است. لذا در این پژوهش تلاش شده تا دلایل امکان چنین واقعه‌ای بررسی و تحلیل شود. مؤلف معتقد است که این گزارش‌ها، دالّ بر وجود جریان «اهل بیت محوری» در بوم کوفه بوده که بررسی آن به‌منظور تحلیل حوادث صدر اسلام به‌ویژه در حوزه علوم قرآنی برای پژوهشگران این عرصه بسیار ضروری است.

واژه‌های کلیدی: اهل بیت (ع)، امام صادق (ع)، کوفه، حمزه بن حبیب، قراء سبعه.

مقدمه

مفسّران یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه علوم اسلامی، قرائات قرآنی است که به نحوه قرائات آیات قرآنی و اختلافات موجود میان آن‌ها می‌پردازد. در خصوص این مسئله، همواره این پرسش وجود داشته که چرا و چگونه قرائات مختلف پدید آمده است؟ مگر نه اینکه قرآن توسط جبرئیل امین و به زبان عربی مبین بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده و ایشان با رعایت امانت الهی آن را به مردم ابلاغ می‌کردند، پس تنوع و تفاوت در قرائات از کجا پدید آمده است؟ و چرا پس از یکسان‌سازی مصاحف در زمان عثمان که به هدف هماهنگی همه قرائت‌ها صورت پذیرفته بود، دوباره مسلمانان گرفتار اختلاف در قرائت قرآن شدند؟

و مهم‌ترین سؤال آنکه آیا امروزه راهی برای دسترسی به قرائت صحیح پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) وجود دارد؟ از میان قرائات نقل شده توسط قراء مختلف، کدام قرائت نزدیک‌ترین تشابه به قرائت اهل بیت (ع) را داشته و می‌تواند به عنوان ملاک و معیاری برای تطبیق با دیگر قرائات قرآنی قرار گیرد؟

در پاسخ به مجموعه این پرسش‌ها باید گفت که بر اساس گزارش‌های تاریخی، اوج دوران اختلاف قرائات به دوره پس از توحید مصاحف، یعنی اواخر سده اول و اوایل سده دوم هجری، هم‌زمان با دوران حیات صادقیین (ع) بازمی‌گردد که در این برهه از تاریخ، اجتهاد قراء در گزینش و انتخاب قرائات امری رایج و گسترده شده به گونه‌ای که هر قاری تلاش دارد تا بر مبنای انگیزه‌ها و اعتقادات شخصی، لهجه قبیله خود یا با تکیه بر دانش صرف و نحو، اختیار و انتخاب خاصی در قرائت داشته باشد.

اما در این میان، برخی قراء نیز تلاش داشتند تا بدون دخالت دادن هیچ‌گونه انگیزه یا دانشی، تنها با اتکاء به آنچه از مشایخ خود از طریق نقل و اثر فرا گرفته‌اند، به قرائت قرآن پرداخته و مصرانه بر این روش نیز تأکید دارند. از جمله این قراء، حمزه بن حبيب کوفی از قراء سبعة است که هم خود شخصاً بر این موضوع تأکید کرده و هم عالمان حوزه اختلاف قرائات، این موضوع را به عنوان ویژگی خاص و اساسی‌ترین ویژگی قرائت حمزه نام برده و از قرائت او به عنوان راهکاری برای دستیابی به قرائت صحابه یاد کرده‌اند.

آنچه این مسئله را امروزه برای ما شیعیان مهم می‌کند، گزارش‌هایی است که از تلمذ حمزه در نزد امام صادق (ع) و اخذ قرائت قرآن از ایشان بیان شده و گفته شده حمزه تنها در ۱۰ حرف با امام صادق (ع) اختلاف قرائت داشته است. همچنین برخی دیگر از گزارش‌های تاریخی، سلسله سند قرائت وی را با طریقی اندک و صحیح، به قرائت امام علی (ع) متصل کرده و حتی آن را بهترین طریق نقل قرائت از آن امام همام دانسته‌اند.

این پژوهش بر آن است که با توجه به دیگر گزارش‌های تاریخی مرتبط با موضوع و تحلیل جریان‌های فرهنگی - اجتماعی صدر اسلام، و همچنین بررسی نقش اهل‌بیت (ع) در این عرصه، امکان‌صحت این گزارش‌ها را تحلیل نموده و درنهایت، تحلیلی جامع از قرائت حمزه و نقش امام صادق (ع) در شکل‌گیری و گسترش این قرائت بیان کند. به همین منظور ابتدا به معرفی حمزه بن حبیب کوفی و ویژگی‌های قرائت وی پرداخته و درنهایت دلایل خود برای تأیید یا رد این گزارش‌ها بیان خواهیم کرد. ضرورت پرداختن به این موضوع آن است که به‌رغم اهمیت والای شناسایی قرائت اهل‌بیت (ع)، متأسفانه در کتب تاریخی مربوطه و کتب اختلاف قرائت، توجه چندانی به این گزارش‌ها نشده و کمتر از آن سخن گفته شده است.

۱. معرفی حمزه کوفی

حمزه بن حبیب بن عماره بن اسماعیل الزیّات الفرّضی التیمی (۸۰-۱۵۶ق)، مکتبی به ابوعماره (ذهبی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۸۵؛ اندرابی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۰۹) قاری کوفه و یکی از قاریان هفتگانه است که به دلیل تولد در سال ۸۰ هـ ق، احتمال می‌رود برخی از صحابه را درک کرده باشد اگرچه گزارش مستندی در این خصوص ارائه نشده است. (محیسن، ۱۹۷۸م، ج ۱، ص ۳۲؛ اندرابی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۷؛ زرکلی، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۲۷۷ و ج ۶، ص ۷۳؛ سالم مکرم، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۸۰)

در خصوص قرائت نیکوی حمزه تعابیر متعددی بیان شده، به گونه‌ای که وی را بعد از عاصم و أعمش، پیشوای مردم در علم قرائت دانسته و به مدح و تعریف بسیار از او پرداخته‌اند. (اندرابی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۰۹؛ زرقانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵۷؛ ذهبی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۷؛ ابن جزری، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۶۶؛ امین، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۱۶؛ مزنی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۳۲۳)

برخی گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد شخصیت حمزه، نه تنها در کوفه و بغداد، بلکه در بصره نیز برای همگان شناخته شده بوده است. گفته می‌شود پس از آنکه کسائی از کوفه به بصره رفته و در مجلس خلیل بن احمد فراهیدی حاضر شده، فردی بدو گفته است: «ترکت أسد الکوفه و تمیمها و عندهما الفصاحه و جئت الی البصره...» (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۲۴ به نقل از ابوالحسن القفطی (م ۶۲۴ق))

حمزه در سال ۱۵۶ق در حلوان از دنیا رفته و فهرست نویسان آثار او را چنین برشمرده‌اند: الوَفِّ وَالْإِبْتِدَاءُ، الْقِرَائَةُ، الْقِرَائِضُ، مُتَشَابِهَاتُ الْقُرْآنِ، الْعَدَدُ، أَسْبَابُ الْقُرْآنِ، مَقْطُوعُ الْقُرْآنِ وَ مَوْصُولُهُ، حُدُودُ آيِ الْقُرْآنِ. (ابن ندیم، ۱۳۵۰ش، ص ۵۲؛ خطیب، ۲۰۰۰م، ص ۲۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۸۵) کتاب قرائت وی در ضمن کتاب «الإفهام فی شرح وقف حمزه و هشام» تألیف شمس الدین ابن نجار و «مذهب حمزه فی تحقیق الهمزة» از شهاب الدین احمد صلیبی آمده است.

مزی در تهذیب الکمال خود به معرفی ۴۰ تن از شاگردان و ناقلان روایت حمزه به ترتیب حروف هجاء پرداخته. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۲۷ و ج ۷، ص ۳۱۵) علامه سید محسن امین نیز در تکمله این لیست، ۵۰ نفر دیگر را اضافه نموده (امین، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۲۳۹-۲۴۰) و ابن جزری نیز ناقلان قرائت وی را تا ۱۲۰ طریق برشمرده است (ابن جزری، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۶۵) که مشهورترین آنان عبارتند از: سفیان ثوری (م ۱۶۲ق)، سلیم بن عیسی (م ۱۸۸ق)، ابوالحسن کسائی (م ۱۸۹ق)، حسین بن علی الجعفی (م ۲۰۳ق). (نک: ابن جزری، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۵۳۷)

۱-۱. مهم‌ترین ویژگی قرائت حمزه

به نظر می‌رسد اساسی‌ترین ویژگی قرائت حمزه را باید در پیوند استوار قرائتش با قرائت بزرگ‌ترین مشایخ و ممتازترین اساتید قرائت دانست که از طریق نقل و اثر فراگرفته

است. (ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۱۲۶) از حمزه نقل شده که می‌گفت: «ما قرأتُ حَرَفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا بِأَثَرٍ» (ابن مجاهد، ۱۹۸۰م، ص ۷۶؛ ذهبی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۱۲؛ ابن جزری، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۲۶۱؛ ابن جزری، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۱۰) و از أعمش و سفیان ثوری نیز به طرق متعدد نقل شده که در خصوص قرائت حمزه گفته‌اند: «لم یقرأ حمزة حرفاً إلا بأثر» و «ما قرأ حمزة حرفاً من كتاب الله إلا بأثر». (ذهبی، ۱۹۶۷م، ص ۱۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۷؛ ابن خلکان، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۱۶۷؛ ذهبی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۸۴) از این روی ابن جزری در مقایسه میان قرائت سبعة و بیان ویژگی ممتاز هر کدام، در خصوص قرائت حمزه می‌نویسد: «مَنْ أَرَادَ الْآثَرَ فَعَلِيهِ بِقِرَاءَةِ حَمْزَةٍ». (ابن جزری، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۷۵)

آنچه مشهور است، اینکه وی بیشترین استفاده را از: جعفر بن محمد الصادق (ع) (م ۱۴۸ق)، حمران بن أعین شیبانی (م ۱۳۰ق)، سلیمان بن مهران الأعمش (م ۱۴۸ق)، ابواسحاق عمرو بن عبدالله سبعی (م ۱۳۲ق)، ابومحمد طلحة بن مُصرّف (م ۱۱۲ق)، عاصم بن ابی النجود (م ۱۲۷ق) و عبدالرحمن بن ابی لیلی (م ۱۴۸ق) داشته است. (اندرابی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۷؛ ذهبی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۱۲؛ ابو عمرو دانی، ۱۹۳۰م، ص ۲۱؛ ابن جزری، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۶۵؛ محیسن، ۱۹۷۸م، ج ۱، ص ۳۳؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۳۱۵؛ البناء، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۷ و ۱۸۱) لذا عموم مصنفین و رجال نویسان، حمزه را شیعی مذهب و در زمره اصحاب امام صادق (ع) یاد کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۷؛ امین، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۲۳۸)

برخی نیز با مبنا قرار دادن قرائت حمزه، به مقایسه آن با دیگر قرائت پرداخته که از آن جمله می‌توان به کتاب ابو جعفر محمد بن مغیره، (م ۲۴۰ق) با عنوان «ما خالف الکسائی فی حمزه» اشاره کرد که حجم اندک آن نشان می‌دهد موارد اختلاف این دو قاری، اندک بوده است. (ابن ندیم، ۱۳۵۰ش، ص ۴۵) مشاهده دیگر نمونه این کتب مانند کتاب ابوالحسن

علی بن مُرّه نقاش بغدادی و ابا عیسیٰ بکار بن حمد بن بکار (م ۳۵۶ق) با عنوان «کتاب الکسائی» و «کتاب الحمزه» نشان می‌دهد در میان عالمان این علم، علاقه عجیبی به مقایسه میان قرائت کسائی و حمزه وجود داشته است. (ابن ندیم، ۱۳۵۰ش، ص ۵۸)

سُلیم بن عیسیٰ را به دلیل وجود روایتی که نشان می‌دهد حمزه، وی را جانشین خود در علم قرائت معرفی کرده، ضابط‌ترین شاگرد وی دانسته‌اند (ابن جزری، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۶۶؛ ابوشامه، ۱۹۷۵ق، ص ۳۱) که دو راوی مشهور قرائت حمزه یعنی خلف بن هشام (۱۵۰-۲۲۹ق) و خَلاد بن خالد (۱۳۰-۲۲۰ق) هر دو قرائتشان را به طریقه عرض، از سُلیم نقل کرده‌اند. (ابوعمر و دانی، ۱۹۳۰م، ص ۲۵) البته خلف پس از مدتی تعلیم قرائت حمزه، خود قرائت جدیدی را اختیار کرده و از این روی در زمره قراء عشره نام برده شده است. ابن اشته اصفهانی در خصوص وی می‌گوید: «کان خلف يأخذ به مذهب حمزه الا انه خالفه فی مائه و عشرين حرفا، ای فی اختیاره». (ابن جزری، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۲۷۴)

به هر روی قرائت حمزه در سده ۳ق به‌عنوان قرائتی معتبر در کوفه و دیگر نقاط شناخته شده بود (ابوشامه، ۱۳۴۹ق، ص ۱۱۴) و به تدریج با نشر دیگر قرائت و رسمیت یافتن تمامی قرائت سبع توسط ابن مجاهد (د ۳۲۴ق)، به‌عنوان یکی از قرائت هفتگانه تثبیت شد. (جهت آشنایی با طرق نقل این قرائت ر.ک: ابن جزری، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۶۷)

۱-۲. تحلیل سلسله سند قرائت حمزه

بر اساس روایتی که از قول حمزه نقل می‌کنند، وی سلسله اسانید خود را چنین معرفی می‌کند: سلیمان از یحیی از ابوعبدالرحمن سلمی از علی بن ابیطالب (ع) از پیامبر اکرم (ص). (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۳۱۸ و ۳۲۰) لذا بر اساس آنچه در خصوص سند قرائت حمزه و تشیع عمده اساتیدش بیان شده، برخی طریق وی را بهترین دانسته‌اند، چرا که قرآن

را مستقیماً بر جعفر بن محمد الصادق (ع) قرائت کرده و گفته شده تنها در ۱۰ حرف با ایشان اختلاف دارد. (ابن جزری، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۱۹۶؛ سخاوی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۷۲)

همچنین از طریق عاصم، اسناد قرائت وی به علی بن ابیطالب (ع) می‌رسد زیرا عاصم، قرائت را به طریق عرض از ابو عبدالرحمن سلمی (م ۴۷ق) فراگرفته که عامل انتقال قرائت از علی بن ابیطالب (ع) (۴۰ق)، عثمان و زید بن ثابت (۴۵ق) به قاریان کوفی است که از آن میان، به‌ویژه بر حضرت علی (ع) تأکید شده و حتی ادعا شده که وی در قرائت هیچ حرفی از قرآن، از قرائت آن حضرت تخلف نکرده است. (ذهبی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۱۴؛ اندرابی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۷؛ ابن جزری، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۶۵؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۳۲۲؛ زرقانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵۸) قرائت حمزه از طریق ابن ابی لیلی و حمران بن أعین نیز به ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود می‌رسد که هر دو قرائت خود را از علی بن ابی طالب (ع) و پیامبر اکرم (ص) اخذ کرده‌اند. (ابن مجاهد، ۱۹۸۰م، ص ۷۳)

همچنین دیگر طرق قرائت وی نیز از سلیمان بن مهران به ابن مسعود، از یحیی بن وثاب به عثمان و از ابن ابی لیلی به ابی بن کعب می‌رسد (ابوعمر و دانی، ۱۹۳۰م، ص ۹؛ ابن جزری، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۴۵۹؛ اندرابی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۱۸) و بر مبنای این طرق متعدد است که قرائت وی را متواتر و دارای سند متصل و مستفیض تا پیامبر اکرم (ص) دانسته‌اند. (محیسن، ۱۹۸۴م، ج ۱، ص ۳۴؛ خویی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۱) بر این اساس می‌توان گفت قرائت ائمه اهل بیت (ع) را پس از قرائت عاصم، در قرائت حمزه می‌توان جستجو نمود. (جهت مشاهده موارد موافقت قرائت حمزه با ائمه اطهار (ع) ر.ک: خطیب، ۲۰۰۰م، صفحات متعدد)

کسایی، قاری نامدار کوفه و آخرین قاری از قراء سبعة نیز که قرائت خود را از حمزه اخذ کرده و به گفته شافعی ریاست قراء در کوفه پس از حمزه، با او به پایان رسیده، در بدو ورود به بغداد به تعلیم قرائت حمزه اهتمام داشت، (ذهبی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۱۱۶) اما چندی

بعد و معاصر با دوران خلافت هارون بر آن شد تا قرائتی را برای خود برگزیند. (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۰۳؛ ذهبی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۴۳۷؛ ابن ندیم، ۱۳۵۰ش، ص ۳۲؛ ابن جزری، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۱۶۵) البته ابن ندیم معتقد است قرائت کسائی در آن قسمت که مخالف با قرائت حمزه می باشد، مطابق قرائت ابن ابی لیلی است که او نیز قرآن را بر علی (ع) خوانده بود. (ابن ندیم، ۱۳۵۰ش، ص ۳۲)

۲. امکان سنجی بهره‌مندی قراء کوفی از قرائت اهل بیت (ع)

انحراف نظام سیاسی جامعه اسلامی پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) و کنار گذاشته شدن اهل بیت (ع) از مدیریت و حکومت بر جامعه و عدم توجه به منصب الهی ایشان، همان گونه که در شئون سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی اثرات سوئی را بر جای گذاشت، در مباحث مربوط به تفسیر و فهم و قرائت قرآن کریم نیز بی تأثیر نبوده است. روایات صحیح و شواهد تاریخی متعددی حاکی از ارائه قرآن به صورت مابین الدفتین برای اولین بار توسط امام علی (ع) است که متأسفانه به دلیل مسائل سیاسی آن روز، از پذیرش آن امتناع ورزیده شد و باعث شد قرآنی که توسط نزدیک‌ترین شخص به پیامبر اکرم (ص) و کاتب بیشترین وحی قرآنی، جمع‌آوری شده بود، از دسترس جامعه اسلامی خارج شود. پس از آن، دیگر صحابه، از این خلاء موجود استفاده کرده و با عرضه مصاحف خود تلاش نمودند تا میراث جاودان پیامبر اکرم (ص) در جامعه باقی بماند، اما متأسفانه به دلایل مختلفی، این مصاحف با نقیصه‌هایی همراه بودند که پس از مدتی زمینه‌ساز اختلاف قرائات شد. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۷۵۲)

آنچه در این میان سؤال اصلی و زمینه‌ساز شکل‌گیری این پژوهش است، امکان سنجی بهره‌مندی قراء کوفی از علم و دانش و قرائت اهل بیت (ع) به‌ویژه بهره‌مندی و اخذ قرائت حمزه بن حبیث از امام صادق (ع) است. علاوه بر اینکه آیا اساساً کوفه جایگاه مناسبی برای

توسعه و ترویج قرائت قرآنی بوده است یا خیر، بررسی این مطلب که ائمه اطهار (ع) چگونه با مردم جامعه اسلامی در این زمینه تعامل داشته و چه اقداماتی در این حوزه انجام داده‌اند و به چه گزارش‌های تاریخی در این حوزه می‌توان استناد نمود، مسئله‌ای است که در ادامه مقاله تلاش می‌شود تا به واسطه اسناد و مدارک متعدد، تبیین و تأیید گردد.

۱-۲. نقش کوفه در شکل‌گیری و ترویج قرائت قرآنی

باید گفت که کوفه و قاریان آن، بیشترین سهم را در انتقال قرائت به آیندگان داشته و گزینش سه قاری از کوفه توسط ابن مجاهد به‌خوبی جایگاه کوفه را به‌عنوان یک بوم فرهنگی فعال در حوزه علوم قرآنی و قرائت نشان می‌دهد. گفته‌شده اول بار عبدالله بن مسعود به دستور خلیفه دوم برای آموزش قرآن به کوفه آمد و شاگردانی مانند علقمه، الأسود بن یزید، مسروق بن الأجدع، زر بن حبیش، ابی وائل، ابی عمرو شیبانی و عبیده سلمانی را تربیت کرد. (ابن مجاهد، ۱۹۸۰م، ص ۶۰)

پس از توحید مصاحف توسط عثمان نیز أبو عبدالرحمن سلمی به‌عنوان مقری مصحف کوفه بدین دیار ار سال شد و چهل سال به آموزش قرائت قرآن مشغول بود. وی که قرائت خود را از علی بن ابی طالب (ع)، زید بن ثابت، عبدالله ابن مسعود، ابی بن کعب و عثمان بن عفوان اخذ کرده بود، به تربیت شاگردانی پرداخت که ضابط‌ترین آن‌ها عاصم بن ابی النجود، مشهورترین فرد به فصاحت و اتقان در قرائت، بوده و حمزه قرائت خود را مستقیماً از وی اخذ کرده است. (ابن مجاهد، ۱۹۸۰م، ص ۶۲؛ ابن جزری، ۱۹۶۰م، ج ۱، ص ۵۳۷)

پس از وفات عاصم و مهاجرت برجسته‌ترین شاگرد وی، حفص، به بغداد و امتناع ابوبکر شعبه بن عیاش از آموزش قرائت به دیگران، حمزه که به عدالت و وثاقت در نقل مشهور بود، مورد توجه قرار گرفته و از این‌رو، امامت قرائت در کوفه پس از عاصم به حمزه (خطیب بغدادی، ۱۳۴۹ق، ج ۹، ص ۷؛ ابن مجاهد، ۱۹۸۰م، ص ۷۱؛ البناء، ۱۴۰۷ق،

ج ۱، ص ۲۶) و پس از او به شاگردش کسائی منتقل گردید که هر سه از قراء سبعة می باشند. (نک: ابن ندیم، ۱۳۵۰ ش، ص ۳۲) ارتباط عمیق میان این سه قاری به گونه ای است که در کتب قرائات از اصطلاح «الکوفیون» برای اشاره به هر سه و «الأخوان» برای اشاره به حمزه و کسائی استفاده می شود. (ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۱۲۶)

همانگونه که می دانیم قرائت عاصم و کسائی را می توان از جمله قرائت های تحت تأثیر جریان نحو مداری دانست زیرا هر دو عالم نحوی بوده و تلاش داشته اند تا بر پایه اصول و قواعد نحوی، انتخاب خاص خود در قرائات را بیان کنند. اما در این میان رفتار و عملکرد حمزه در اخذ قرائت و اختیار و اجتهادش در این حوزه قابل تأمل و توجه است. وی قرائت خود را بر اساس نقل و از طریق اثر دانسته و هیچ اختیار و اجتهادی از خود نداشته است. (ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۴، ص ۸۴)

۲-۲. شکل گیری رسمی صنف «قراء» در کوفه

از جمله عوامل رشد و بالندگی یک فرهنگ و غنای محتوای آن، آموزش، ترویج و تبلیغ آن است. در این میان، نقش قاریان قرآن در روزهای آغازین ظهور اسلام و در عصری که همچنان نظام تعلیم و تربیت به طور عمومی رواج پیدا نکرده و فرهنگ آموزش مکتوب نیز به وجود نیامده بود، بسیار حائز اهمیت است. به طور کل عنوان «قراء» به مثابه یک طبقه فرهنگی مشخص در تاریخ صدر اسلام قابل مشاهده بوده و عمدتاً از آنان به کسائی که در دانایی، به قرائت قرآن و زیست زاهدانه بسنده می کردند، یاد شده است.

قاریان قرآن با آموزش قرآن به دیگر مسلمانان، در حقیقت تلاش داشتند تا فرهنگ و معارف اسلامی را به آنان آموزش دهند. در ابتدا، قاریان به سبب آگاهی از همه مسائل و علوم مورد نیاز، مرجعیت مردم را بر عهده داشتند، چنان که هر قاری به منطقه ای که فرستاده می شد، در فقه، احکام، تفسیر قرآن و حدیث مورد مراجعه و توثیق مردم بود و

اندک‌اندک با رشد و توسعه علوم، هر کدام در علمی متخصص و متبحر شدند. به‌عنوان مثال ابن مسعود، علاوه بر این که فقیه کوفه بود، به آموزش قرآن اشتغال داشت.

با شروع جنگ‌های فتوحات در صدر اسلام، قاریان که عازم جهاد بودند، قرآن، احادیث نبوی و اخباری از حوادث مکه و مدینه و جنگ‌های گذشته و... را به همراه خود به آن مناطق برده و به‌عنوان یک محدث و مورخ، برای مردم بیان می‌کردند. (حموده، ۱۹۴۸م، ص ۴۳) آشنایی قاریان با علوم اسلامی، گرایش‌های اعتقادی خاصی را در آنان ایجاد کرد که این باورها، در گرایش‌های سیاسی آنان نیز نقش مهمی داشت. لذا کار ویژه و اساسی قاریان، ایدئولوژی‌سازی، طرح اندیشه‌های جدید و بحث‌ها و گفت‌وگوهای فرهنگی در جامعه و رشد علوم و فرهنگ اسلامی بود. بدین ترتیب قاریان قرآن، همان‌طور که در آموزش و گسترش و نشر معارف اسلامی و ایجاد مراکز فرهنگی مهم در جهان اسلام نقش مهمی ایفا کردند، در تولید علوم اسلامی نیز سهم بسزایی داشتند. سفر آنها به مناطق مختلف و برپایی مباحثه‌ها و مجالس علمی، باعث رشد علمی آن مناطق می‌شد. بسیاری از قاریان به کوفه مهاجرت کردند تا این که این شهر در فقه و معرفت بر شهرهای دیگر برتری یافت. (الزبیدی، ۱۹۷۰م، ص ۴۱)

بر پایه برخی شواهد می‌توان چنین ادعا کرد که برای اولین بار گروه «قراء» بطور رسمی در بوم کوفه به رسمیت شناخته شده و به‌عنوان یک صنف مستقل در کنار دیگر اصناف جامعه اسلامی، نقش مهمی در تحولات حوادث صدر اسلام بازی کرده‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان به نقش رسمی این گروه در جریان‌های تاریخی صدر اسلام همچون جنگ صفین (ر.ک: نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق، صص ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۷۷) جنگ نهروان و شکست قیام امام حسن (ع) و صلح با معاویه اشاره کرد که عمده آنها در بوم کوفه بوده یا از طریق کوفیان هدایت می‌شده است.

به عنوان مثال در گزارش های تاریخی آمده است که به هنگام آمدن امام علی (ع) به کوفه، دو گروه قراء و اشراف (رؤسای قبایل) از ایشان استقبال کردند (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق، ص ۳). نام بردن از این دو گروه به عنوان بخش مستقلی از جامعه اسلامی که در عمل نیز بسیار در روند امور نظامی و سیاسی مؤثر بودند، نکته حائز اهمیتی است که نباید از کنار آن به سادگی عبور کرد. بخشی از این گروه قراء در ادامه جنگ صفین نقش مهمی داشتند. به عنوان مثال یکی از قراء معروف کوفه به نام «زید بن حصین طائی» در سپاه امام علی (ع) بر ادامه جنگ صفین تا پیروزی اصرار داشته (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق، ص ۹۹)، در حالی که گروهی دیگر که ریاست آنان را عبیده سلمانی، دیگر قاری کوفی بر عهده داشت، از امام (ع) درخواست کردند تا در حاشیه سپاه حرکت کرده و پس از احراز گروه مرتکب بغی، با آنان وارد جنگ شوند.^۱ گروهی دیگر که رهبری آنان را ربیع بن خثیم قاری بر عهده داشت از جنگ با مسلمانان اجتناب کرده و از امام (ع) درخواست کردند تا برای جنگ با کفار به مرز بروند. (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲ق، ص ۱۱۵؛ پاکتچی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۳-۲۶۵) عمده این افراد قرائی بودند که از قرائت ابن مسعود پیروی کرده و اصطلاحاً اصحاب وی شناخته می شدند.

۲-۳. نقش شیعیان کوفی در شکل گیری صنف «قراء»

تابعین و اتباع ایشان، به ویژه شیعیان حقیقی تلاش داشتند تا با تلمذ در محضر شاگردان اهل بیت (ع) و به ویژه کسانی که قرائت خود را مستقیماً از ایشان آموخته اند، به قرائت حقیقی قرآن کریم دست پیدا کرده و در نتیجه به فهم حقیقی آن نائل آیند. گزارش های تاریخی بیانگر آن هستند که برجسته ترین و فعال ترین صحابه در خصوص تعلیم قرائت قرآن، امام علی (ع) می باشد که قاریان مشهوری همچون؛ مغیره بن ابی شهاب المخزومی،

^۱ به نظر می رسد این رفتار آنان مبتنی بر برداشتی است که از آیه ۹ سوره حجرات داشته اند.

أبو عبد الرحمن السّلمی، زرّ بن حبیش و أبوالأ سود دؤلی قرائت خود را از وی آموخته‌اند و نیز قرائات عاصم، حمزه، کسائی، خلف و أعمش به ایشان منتهی می‌گردد. (محیسن، ۱۹۸۴م، ص ۴۳)

همچنین می‌دانیم که اولین مؤلفین در زمینه علم القرائات، «ابان بن تغلب» (د ۱۴۱ق) شاگرد امام سجّاد (ع) و پس از وی «حمزه بن حبیت زیّات» (د ۱۵۶ق) شاگرد امام صادق (ع) و یکی از قراء سبعة می‌باشند که ابن ندیم، نجاشی، شیخ طوسی و دیگر عالمان رجالی هر کدام در آثار کتابشناسی و رجالی خود به این مطلب اعتراف نموده و در ترجمه احوالات ابان بن تغلب، از کتاب «القراءه» او یاد کرده‌اند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ذیل ابان بن تغلب، ص ۱۳۸؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱۴۹-۱۵۰؛ ابن ندیم، ۱۳۵۰ش، ص ۲۲۰)

توجه به این مطلب از این منظر مهم است که اولین افراد شاخصی که در حوزه آموزش قرائت شفاهی قرآن و یا نگارش کتاب در این زمینه اقدام کرده‌اند، یا خود از اهل بیت (ع) بوده و یا شاگردان نزدیک و وابسته به ایشان بوده‌اند که این مطلب، توجه و اهتمام مذهب شیعه و رهبران آن به این دانش را ترسیم می‌کند. گزارش‌های تاریخی متعدد حاکی از آن است که برخی از قراء تلاش داشتند تا با مسافرت به شهرهایی مانند مدینه (محل حضور امام^(ع)) و یا کوفه (محل حضور اکثریت شیعیان) به قرائت اهل بیت (ع)، بالاخص امام علی (ع) از قرآن دست پیدا کنند. از این رهگذر است که مشاهده می‌کنیم برخی از قراء تلاش کرده‌اند تا قرائت پیامبر اکرم (ص) یا اهل بیت (ع) را به نقل از سلسله اسناد معتبر جمع آوری و تألیف نمایند.

۲-۴. نقش شیعیان کوفی در تألیف آثاری با عنوان «قراءة اهل البيت (ع)»

ابن‌الندیم در کتاب مشهور خود با عنوان «الفهرست»، (نک: ابن ندیم، ۱۳۵۰ش، صفحات متعدد) شیخ طوسی و نجاشی نیز در کتب رجالی خود با عنوان «الفهرست» (نک:

نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، صص ۱۴۹-۱۵۱) و علامه سید محسن امین در کتاب «أعیان الشیعه» (نک: امین، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۳۱) به معرفی افرادی می‌پردازند که در زمینه «قراءة النبی (ص)» و «قراءة اهل البیت (ع)»، کتاب تألیف کرده‌اند که از جمله می‌توان به این افراد اشاره کرد:

- ۱- یحیی بن یعمر العدوانی (۱۴۲ق)؛ قاری بصره
- ۲- أبان بن تغلب (۱۴۱ق)؛ قاری کوفه
- ۳- سلیمان بن مهران الأعمش (۱۴۸ق)؛ قاری کوفه
- ۴- زرارة بن أعین (۱۹۰ق)؛ قاری مدینه
- ۵- حمزة بن حبيب الزیّات (۱۵۸ق)؛ قاری کوفه
- ۶- علی بن حمزه کسائی (۱۴۸ق)؛ قاری کوفه
- ۷- أبو جعفر محمد بن سعدان الضریر (۲۰۳ق)؛ قاری کوفه
- ۸- محمد بن فضیل بن غزوان الضبی (۲۳۲ق)؛ قاری کوفه
- ۹- محمد بن عمر الواقدی (۲۳۴ق)؛ قاری کوفه
- ۱۰- عبیدالله بن عبدالله (۱۷۲ق)؛ قاری کوفه
- ۱۱- زائدة بن قدامة ثقفی (۱۹۶ق)؛ قاری بصره
- ۱۲- هشیم بن بشیر سلمی (۱۸۳ق)؛ قاری بصره
- ۱۳- یحیی بن آدم (۲۰۳ق)؛ قاری کوفه
- ۱۴- ابن جحام (۳۲۸ق)؛ قاری کوفه
- ۱۵- ابوظاهر ابن ابی هشام بزار (۳۴۹ق)؛ قاری بغداد
- ۱۷- ابن خالویه (۳۷۰ق)؛ قاری کوفه
- ۱۸- ابوالعلاء همدانی (۵۶۹ق)؛ قاری کوفه

از تحلیل این گزارش‌های تاریخی این گونه به دست می‌آید که اولاً؛ اهل‌بیت (ع) در خصوص مسئله قرائت قرآن و آموزش و ترویج آن بسیار فعال بوده و در این زمینه خود مستقیماً وارد عمل شده و ضمن بیان نکات مهمی در این خصوص، اقدام به تربیت شاگردانی خاص در این حوزه نموده‌اند. البته همچنان جای این تحلیل خالی است که چرا آثار منسوب به قرائت اهل‌بیت (ع) از میان رفته و اثری از آنها تا امروز بر جای نمانده است؟

ثانیاً با توجه به کثرت قراء کوفی پیرو اهل‌بیت (ع) که در گزارش فوق مشاهده شد، این نکته استنباط می‌شود که یکی از طرق شناسایی قرائت اهل‌بیت (ع)، بررسی قراء کوفه است و این قرائت را می‌بایست در کوفه پیگیری و جستجو نمود زیرا عموم شاگردان اهل‌بیت (ع) در کوفه می‌زیسته یا کوفی بوده‌اند و به همین دلیل است که به دلیل اشتباه کوفه به تشیع، عمده کوفیون را شیعه دانسته‌اند. به‌عنوان نمونه در کتب رجالی، اسامی حدود ۴۵۰ تن از اصحاب امام باقر (ع) ذکر شده که بیش از ۵۰ نفر آن‌ها دارای پسوند «کوفی» هستند. در خصوص شاگردان امام صادق (ع) نیز تعداد قابل توجهی از ایشان، از جمله ایرانیان ساکن کوفه یا کوفی بوده‌اند. (نک: طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۱ و ۳۱۱)

حازم سلیمان در کتاب «الکوفیون و القرائات» خود می‌نویسد: «کوفه در زمان کوتاه حضور امام جعفر صادق (ع) به قطبی در علوم اسلامی تبدیل شد به گونه‌ای که طالبان علم بسیاری از بصره و حجاز بدان جا آمده و از چشمه جو شان علوم جعفر بن محمد استفاده کردند. تا آنجا که و شأء می‌گوید: «ادرکت فی هذا المسجد - یعنی مسجد کوفه - تسعمائهُ شیخ کل یقول «حدثنی جعفر بن محمد...» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱) و از این روی، زمانی که قرار شد از میان قراء مشهور تعدادی انتخاب شوند، ابن مجاهد از میان قراء کوفی، سه تن را اختیار می‌کند». (حازم سلیمان، ۱۴۰۸ق، ص ۸۳)

در اتصال قرائت کوفیان به قرائت اهل بیت (ع) همین بس که قرائت عاصم از طریق ابی عبدالرحمن السُّلمی (ت ۷۴ق) به امام علی (ع) منتهی شده و حمزه نیز قرائت خود را از امام جعفر صادق (ع) اخذ کرده و کسائی نیز شاگرد مستقیم عاصم و حمزه بوده است. لذا به منظور پیگیری و جستجوی قرائت اهل بیت (ع) می‌بایست به سراغ قرائت قاریان کوفی رفته و از این رهگذر، قرائت صحیح و منتسب به اهل بیت (ع) را شناسایی نمود.

۲-۵. تثبیت اندیشه‌های مذهب امامیه در بوم کوفه

از جمله ویژگی‌های مکتب کوفه این است که ریشه بسیاری از جریان‌های فکری و اعتقادی آن به بوم مدینه و بالاخص اندیشه‌های ائمه اهل بیت (ع) بازمی‌گردد، اگرچه به دلایل اجتماعی و فرهنگی، برخی از این اندیشه‌ها، در کوفه دستخوش تغییر و تحول گردیده. وجود اندیشه‌ها و آراء و عقاید مذهب امامیه در بوم کوفه، مسئله‌ای است که عمده اندیشمندان اسلامی آن را تأیید کرده اند، به گونه‌ای که رئوس عناوین مذهب امامیه همچون: عصمت، وصایت، علم ویژه امام، مباحث توحیدی و عدل و... ذهن عالمان کوفی را به خود مشغول داشته و باعث شکل‌گیری مباحثی جدی در این زمینه شده است.

در تحلیل این مطلب باید گفت که اگرچه اهل بیت (ع) ابتدا در مدینه به بسط معارف مذهب امامیه پرداختند، اما این معارف در بوم کوفه ثنوریزه و تجزیه و تحلیل شد به گونه‌ای که در مواجهه و تقابل با مخالفان، رسمیت پیدا کرده و روز به روز بر غنای علمی و فرهنگی آن افزوده می‌شود. بنابراین در کوفه با سه ویژگی اساسی مواجه هستیم؛ (۱) تعیین تفکر شیعه، (۲) تبیین نظریه شیعه، و (۳) تقابل اندیشه شیعه با مخالفان، و این سه امتیاز و ویژگی خاص است که فضای فرهنگی و اعتقادی کوفه را از محیط مدینه کاملاً متمایز می‌کند. (صفری فروشانی، ۱۳۸۱، ص ۳۴)

از برآیندهای دیگر وجود این سه ویژگی در مدرسه کوفه، این است که اولاً؛ اندیشه امامیه مرزبندی‌هایی دقیقی با دیگر مذاهب اسلامی پیدا می‌کند، و ثانیاً؛ حتی در درون خود امامیه نیز اختلافاتی ایجاد می‌شود که در نهایت منجر به صف بندی‌های درونی و نوعی جناح بندی می‌شود. این مطلب یک اصل مسلم تاریخی است که با شروع مباحث نظری در خصوص یک مذهب و قالب بندی و تئوریزه کردن آن، به تدریج مرزبندی‌های دقیقی با مخالفین و نیز با گروه‌های مشابه ایجاد می‌شود که این امر در نهایت به شکل‌گیری گروه‌های مختلف و جریان‌های متعدد فکری می‌انجامد.

این اصل تاریخی، در سده اول و دوم هجری، یعنی در زمان تئوریزه کردن عقاید نظری مذهب امامیه در بوم کوفه، نیز روی داده و به همین دلیل است که امروزه مشاهده می‌کنیم فرقه‌ها و گرایش‌های متعدد مذهبی در قرن دوم، به‌ویژه در بوم کوفه ظهور کرده که نمونه بارز آن شکل‌گیری فقهای سبعه و قرائت مختلف قرآنی در آن منطقه است.

اما نکته مهم این است که این اختلافات تا چه حد جدی و بنیادین بوده و آیا به گونه‌ای بوده که منجر به شکل‌گیری فرقه‌های مختلف درون امامیه گردیده یا اینکه این اختلافات در حد اختلاف در اجتهاد است و از آنجا که در بوم کوفه فضای نقد و نواندیشی رواج دارد، لذا این اجتهادات بیشتر از دیگر بوم‌ها، در این بوم ظهور و بروز داشته است؟ گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند که ساختار و ترکیب جمعیتی کوفه را از منظر نوع نگرش به مسائل و دغدغه‌مندی آن‌ها نسبت به اعتقادات دینی، به سه گروه می‌توان تقسیم نمود:

۱) گروه اول، محدثان و راویانی هستند که با اتصال به ائمه اطهار(ع)، صحابه و بزرگان تابعین، تلاش دارند تا مجموعه اعتقادات شیعه را از منابع اصلی آن اخذ کرده و به دیگران منتقل کنند. آنچه دغدغه اصلی این گروه می‌باشد، اولاً تمسک به سنت سلف صالح و ثانیاً ابلاغ و انتقال آن به نسل بعد می‌باشد که عمدتاً از طریق برپایی مجالس و عظ،

خطبه خوانی، سیره گویی و در مواردی نگارش کتب حدیثی با رویکردهای سنتی و اولیه، مانند جمع آوری احادیث یک امام یا منقولات یک یا چند تن از صحابه صورت گرفته است. کارکرد مهم این گروه در جمع آوری آثار و اخبار و انتقال آن به پسرینان است که اگرچه به صورت ابتدایی و اولیه انجام شود اما در جایگاه خود بسیار حائز اهمیت است.

(۲) گروه دوم، عالمان و اندیشمندانی هستند که دغدغه اصلی ایشان، دفاع از کیان مذهب در مقابل مخالفان و اندیشه‌های التقاطی و انحرافی است. ایشان با استفاده از محتوا و مضامینی که توسط گروه اول جمع آوری و انتقال داده می‌شد، تلاش داشتند تا این عقاید و اندیشه‌ها را تثوریزه و نظاممند کرده و جایگاه مناسب هر کدام در مجموعه اعتقادات و اندیشه‌ها را شناسایی و تبیین کنند.

(۳) به‌رغم اهمیت جایگاه و نقش برجسته گروه‌های اول و دوم فعال در حوزه انتقال و تبیین معارف اسلامی در محیط کوفه، اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بدنه اعتقادی جامعه کوفه را افرادی غیر از این دو دسته تشکیل می‌داده‌اند. گروهی که عمدتاً از آن‌ها با عنوان توده مردم و عوام (الناس) نام برده شده و تلاش داشته‌اند تا در جریان انتقال اندیشه‌ها و عقاید اهل بیت (ع) و تثوریزه شدن آن‌ها توسط عالمان دینی که عمدتاً از نسل تابعین می‌باشند و توفیق کسب فیض حضوری از پیامبر اکرم (ص) و در مواردی اهل بیت (ع) را نداشته، به اندیشه‌های صحیح دست پیدا کرده و تکلیف خود را جهت ادای اعمال و احکام شرعی مشخص کنند. (صفری فروشانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵)

از مهم‌ترین شاخصه‌های این گروه، مراجعه مکرر به ائمه اطهار (ع) به‌ویژه در ایام حج یا از طریق نگارش نامه، جهت کسب تکلیف و پرسش در خصوص احکام و فتاوی بیان شده توسط عالمان دینی می‌باشد. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند عمده سولاتی که از ائمه اطهار (ع) ساکن در مدینه پرسش شده، بیانگر این مضمون هستند که در محیط

کوفه، نظرات مختلفی راجع به برخی مسائل اعتقادی یا شرعی وجود دارد و حال از امام (ع) نظر صحیح را جویا می‌شوند. (ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۴، ص ۱۶۳)

بنابراین در تحلیل ترکیب جمعیتی کوفه از منظر گرایش‌های مذهبی و اعتقادی و تبیین علل ایجاد جریان‌های فکری متعدد در بوم کوفه، می‌بایست از یک جریان عمومی یاد کنیم که اگرچه در زمره عالمان دینی و اندیشمندان بنام آن بوم نبوده و به دلیل صاحب اثر و تألیف نبودن، عمدتاً امروزه ناشناخته می‌باشند، اما اتفاقاً حامل روایات بسیاری هستند و بخش عمده‌ای از تصحیح عقاید شیعی بر عهده ایشان بوده است. این مطلب نشان می‌دهد که در قرون نخست هجری، بستری اجتماعی وجود داشته که با انتقال عقائد صحیح ائمه اطهار (ع) به کوفه، و بالتبع دیگر بلاد اسلامی، دائماً ثنوری پردازیهی صورت گرفته توسط اندیشمندان و عالمان دینی را اصلاح کرده و نقش عمده‌ای در تصحیح اعتقادات و مبارزه با جریان‌های فکری انحرافی و التقاطی ایفا کرده‌اند.

۲-۶. تلاش امام صادق (ع) برای تبیین اصول و مبانی قرائت صحیح

دوره زمانی شکل‌گیری و گسترش قرائت قرآنی توسط قراء سبعة هم‌زمان با عصر ائمه صادقین (ع) بوده و به‌ویژه امام صادق (ع) بیشترین روایات در خصوص اصل مسئله قرائت قرآنی را بیان کرده و ارتباط مستمری با قراء قرآن داشته‌اند. دوره امامت امام صادق (ع) (۱۱۴ — ۱۴۸ق) از طرفی با دوره انتقال سیاسی و در نتیجه وجود فضایی مساعد برای فعالیت‌های فرهنگی و از سوی دیگر با عصر تدوین علوم اسلامی مقارن بود. در چنین فرصتی، امام صادق (ع) راه تدقیق و تفصیل تعالیم مذهب را ادامه داده و چنانکه از روایات پرشمار منقول از آن حضرت آشکار می‌گردد، علاوه بر تبیین مواضع امامیه در مسائل اعتقادی مورد بحث در آن روزگار، تعالیم مذهب در موضوعات گوناگون، به‌ویژه درباره امامت و منزلت امام را با تفصیلی تمام بیان فرمود.

مالک بن انس درباره امام صادق (ع) می گوید: «در مدتی که به خانه آن حضرت رفت و آمد داشتیم، او را خارج از سه حال ندیدم: یا نماز می خواند، یا روزه بود و یا به قرائت قرآن اشتغال داشت». (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۹) این امام بزرگوار در توسعه فرهنگ قرآنی نقش های مهمی را ایفا کرده است. ایشان به عنوان امامی که آگاه به تمام مفاهیم و معانی قرآن است، وظیفه ای سنگین بر عهده داشت تا انسان ها را به شناخت حقیقی قرآن و مفاهیم آن هدایت کند. از این روی تلاش کردند تا با تأسیس مدرسه بزرگ علوم و معارف اسلامی و تربیت جمع انبوهی از افراد مستعد، معارف الهی را گسترش دهد که توجه به قرآن از جمله محورهای اساسی این تعلیمات بوده است.

عمده روایات وارده از این امام همام در خصوص معارف قرآنی، بر لزوم یادگیری، تعلیم، قرائت، حفظ، استماع و تدبر در قرآن کریم است. به عنوان نمونه ایشان برای تأکید بر لزوم تعلیم و یادگیری قرآن می فرمایند: «يُنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ». (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۶۰۷). و همچنین با توجه به امر خطیر قرائت قرآن، به گونه شناسی قاریان قرآن پرداخته و آنان را به سه گروه تقسیم کرده و ویژگی های قاری خوب و اهل بهشت را چنین بیان می کنند: «الْقَرَاءُ ثَلَاثَةٌ قَارِئٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ لَيْسَتْ دِرَّةٌ بِهِ الْمُلُوكُ وَ يَسْتَطِيلُ بِهِ عَلَى النَّاسِ فَذَاكَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ قَارِئٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَ ضَيَّعَ حُدُودَهُ فَذَاكَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ قَارِئٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاسْتَتَرَ بِهِ نَحْتِ بُرْنِسِهِ فَهُوَ يَعْمَلُ بِهِ مُحْكَمَةٌ وَ يُؤْمِنُ بِمُتَشَابِهِهِ وَ يُقِيمُ فَرَائِضَهُ وَ يُجِلُّ حَالَاهُ وَ يُحْرِمُ حَرَامَهُ فَهَذَا مِمَّنْ يُنْقِذُهُ اللَّهُ مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ يَشْفَعُ فِيْمَنْ يَشَاءُ». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۸۳)

همچنین از جمله حرکت های اساسی در مدرسه قرآنی صادقین (ع)، تربیت شاگردانی است که عالم به معارف قرآنی بوده و توانایی تفسیر و استخراج احکام را از این کتاب آسمانی پیدا کرده بودند. از جمله این شاگردان و پرورش یافتگان مکتب اهل بیت (ع) می توان به «ابان بن تغلب بن رباح ربّعی کوفی» (ت ۱۴۱ق) از صحابه خاص امام (ع) و

راویان بزرگ شیعه اشاره کرد که بیشتر به خاطر استادیش در قرائت قرآن شهرت پیدا کرده و دارای تألیفاتی در این خصوص نیز می‌باشد. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۸۲؛ خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۵) استادی وی در قرائت از مسلمات تاریخ است به گونه‌ای که اغلب مترجمان از او به عنوان قاری یا مقری نام برده‌اند. طبق گفته نجاشی و شیخ طوسی، قرائت ابان، قرائتی خاص بوده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ش ۷، ص ۱۱) که بخش‌هایی از آن در منابعی همچون «المحتسب» از ابن جنی و «اعراب القرآن» از نحاس باقی مانده است. (ابن جنی، ۱۴۲۰، ص ۷۳)

۲-۷. تلاش امام صادق (ع) برای مقابله با انحراف در قرائت قرآن

اگرچه زمان شکل‌گیری دانش قرائت قرآن به دوره‌های پیشین بازمی‌گردد، لیکن مباحث عمده و جنجال برانگیز آن تقریباً مربوط به دوران امام صادق (ع) می‌شود. قراء سببه که در این دوره می‌زیسته‌اند در مناطق مختلف جهان اسلام با تشکیل کرسی‌های تعلیم قرائت قرآن، دیدگاه‌های خود نسبت به قرائت را به مشتاقان آن آموزش می‌دادند. به‌طور طبیعی بین دیدگاه‌های قراء اختلاف نظرهایی وجود داشت که توسط شاگردان ایشان در سطح جامعه منعکس شده و باعث شکل‌گیری قرائت‌های مختلف و در نتیجه برداشت‌های مختلف از آیات قرآنی شده بود که ائمه اطهار (ع)، به‌ویژه امام صادق (ع) در این زمینه با موضع‌گیری‌هایی، تلاش کرده‌اند تا مانع از انحراف این مسیر شده و آن را به سمت صحیح خود هدایت کنند.

بررسی روایات وارده از ائمه اطهار (ع) نشان می‌دهد سیره کلی ایشان، مقابله با اختلاف قرائت بوده است اما به دلیل تغییر شرایط تاریخی، از تاکتیک‌ها و روش‌های متفاوتی از آنچه پیامبر اکرم (ص) استفاده کرده، استفاده کرده‌اند. به‌عنوان مثال امام صادق (ع) در مواجهه با فردی که برخی از آیات قرآن را اشتباه قرائت نموده بود، می‌فرمایند:

«عَنْ سَالِمِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ أَنَا أَسْتَمِعُ حُرُوفاً مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَيَّ مَا يَفْرَأُهَا النَّاسُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ إِفْرَأُ كَمَا يَفْرَأُ النَّاسُ». (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۶۳۳)

حضرت (ع) با این پاسخ، تلاش دارند تا با بیان یک پاسخ کلی و عام، راهکاری کلی در این رابطه ارائه کنند که عبارت است از: ۱) مراجعه به «قراءة الناس» به عنوان قرائتی مشهور و متواتر در جامعه اسلامی که بر طبق اصل موافقت شارع با عرف شرعی و سنت‌های اسلامی صحیح، ملاکی کاملاً دینی و شرعی است، ۲) مراجعه به معلمین حقیقی قرآن که قرائت خود را با سندی صحیح و موثق و معتبر و نزدیک به مبادی وحی دریافت کرده و در ادای قرائت و آموزش آن نیز امانتدار بوده و قابل اعتماد هستند که مصداق اتم و اکمل آن خود اهل بیت (ع) و شاگردان و پیروان حقیقی ایشان می‌باشد.

همچنین در خصوص نظریه «سبعة احرف» نیز با قاطعیت آن را نفی کرده و می‌فرمایند: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَيَّ سَبْعَةَ أَحْرَفٍ. فَقَالَ: كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُ نَزَلَ عَلَيَّ حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ». (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۶۳۰) امام (ع) اولاً؛ فائلین به این نظریه را افرادی دروغگو معرفی نموده که مستحق نفرین الهی هستند. ثانیاً؛ مقصرین اصلی ایجاد اختلاف در قرائت قرآن را قاریان قرآن معرفی نموده که بی‌شک بخشی از این نسبت دروغگویی و مستحق نفرین الهی بودن، به ایشان بازمی‌گردد. ثالثاً؛ با بیان ادله و برهانی عقلی تلاش نموده‌اند تا نظریه مذکور را ابطال نموده و نظریه درست یعنی «حرف واحد» را تبیین نمایند. (ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۴، ص ۱۸۰)

در حقیقت به نظر می‌رسد آنگاه که امام (ع) با مسئله و مشکلی فردی و اختلاف جزئی در قرائت یک آیه مواجه بوده، به آرامی آن را پاسخ داده و راهکاری برای اصلاح دیگر مشکلات ارائه داده‌اند، اما آنگاه که با نظریه‌ای باطل و نادرست در خصوص اصل مسئله قرائت قرآنی و تبدیل شدن آن به یک انحراف عقیدتی و بدعت در دین مواجه بوده، به

طور جدی در مقابل آن موضع‌گیری کرده و تلاش کرده‌اند تا با معرفی مقصرین اصلی قضیه و نیز طرح یک برهان عقلی در نفی آن، همگان را نسبت به بطلان آن نظریه واقف نموده و از انحراف و ایجاد بدعت در جامعه جلوگیری نمایند.

علت اهمیت مقابله با جریانات انحرافی در این زمینه آن است که در مواردی اختلاف قرائت‌ها، باعث به وجود آمدن اختلاف در تفاسیر و حقایق قرآنی می‌شده و زمینه‌ساز انحرافات بزرگ را فراهم آورده است. به‌عنوان مثال هر کدام از فرقه‌های اسلامی این دوره مانند؛ معتزله، جبریه، مرجئه، غلات، مشبّهه، متصوفه، مجسمه و تناسخیه برای اثبات نظرات خود درباره خدا و صفات او، توحید، وحی و نبوت، امامت، قضا و قدر، جبر و اختیار، به قرائت خاصی از برخی آیات قرآن کریم استشهاد می‌کردند. (پیشوایی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۵۵)

نتیجه‌گیری

جریان حضور اهل‌بیت (ع) و شاگردان خاص ایشان در کوفه باعث شد، بخش‌کنیری از عالمان جهان اسلام به سمت ایشان گرایش پیدا کرده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ایشان اثر بپذیرند که در این مقاله تلاش شد تا در خصوص نحوه این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در حوزه قرائت قرآنی سخن گفته شود.

از جمله مهم‌ترین اقدامات اهل‌بیت (ع) در زمینه توسعه و ترویج معارف قرآنی؛ تأکید بر فهم معارف قرآنی، تربیت شاگردان و مفسران قرآنی، و مقابله با جریانات و تفکرات انحرافی در حوزه قرائت و تفسیر قرآن کریم بوده که نتیجه این اقدامات، شکل‌گیری جریان «اهل‌بیت محوری» در قرن دوم هجری و تأثیرگذاری بر افراد و علوم و بوم‌های جغرافیایی مختلف بوده است. به‌عنوان نمونه در خصوص تأثیر این جریان در حوزه علم قرائت، گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند که شکل‌گیری قرائتی مانند قرائت حمزه بن حبيب از قراء سبعة و تلاش برخی از شاگردان اهل‌بیت (ع) مانند ابان بن تغلب و حمران بن

أعین جهت اختیار و ترویج قرائتی برخاسته از قرائت اهل بیت (ع) و نیز ترویج و گسترش روایت حفص از قرائت عاصم، همه به دلیل اثرپذیری از این جریان بوده است.

نقش شیعیان کوفی در شکل‌گیری رسمی صنف قراء و نگاشتن آثار متعددی با عنوان «قراءة النبی (ص)» و «قراءة اهل البیت (ع)» بیانگر این مطلب است که بوم کوفه، بیشترین تأثیرپذیری از اندیشه‌های اهل بیت (ع) را داشته و شیعیان کوفه تلاش داشته‌اند تا اندیشه‌های مذهب امامیه را در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه قرائات قرآنی، تثبیت کرده و ترویج دهند. با این وجود از آنجا که جریان حضور اهل بیت (ع) و محور قرار گرفتن ایشان در جامعه اسلامی، در طول تاریخ دستخوش انحرافات و کینه‌توزی‌هایی شده، لذا متأسفانه امروزه اطلاعات اندکی در خصوص نحوه دقیق قرائت اهل بیت (ع) و شاگردان ایشان در دسترس است، که در این مقاله تلاش شد تا با بررسی سلسله اسناد قرائت حمزه و نیز امکان بهره‌مندی وی از قرائت امام صادق (ع) راهی برای وصول به قرائت ایشان پیدا شود.

در اتصال قرائت کوفیان به قرائت اهل بیت (ع) همین بس که قرائت عاصم از طریق ابی عبدالرحمن السُّلمی (ت ۷۴ق) به امام علی (ع) منتهی شده و حمزه نیز قرائت خود را از امام جعفر صادق (ع) اخذ کرده و کسائی نیز شاگرد مستقیم عاصم و حمزه بوده است. لذا به‌منظور پیگیری و جستجوی قرائت اهل بیت (ع) می‌بایست به سراغ قرائت قاریان کوفی رفته و از این رهگذر، قرائت صحیح و متناسب به اهل بیت (ع) را شناسایی نمود. این مطلب نشان می‌دهد که در قرون نخست هجری، بستری اجتماعی وجود داشته که با انتقال نظرات، عقائد و حتی قرائت صحیح ائمه اطهار (ع) به کوفه، و بالتبع دیگر بلاد اسلامی، نقش عمده‌ای در تصحیح اعتقادات و مبارزه با جریان‌های فکری انحرافی و التقاطی ایفا کرده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد، (۱۹۶۰م)، *غایة النهایه فی طبقات القراء*، تصحیح برگشترسر، قاهره: مکتبه الخانجی.
۳. _____، (۱۹۶۷م)، *النشر فی القرائات العشر*، قاهره: مطبعه مصطفى البابی.
۴. _____، (۱۹۸۶م)، *طبقات القراء*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن جنی، الموصلی، (۱۴۲۰)، *المحتسب*، مکه المکرمه: وزارة الاوقاف.
۶. ابن حجر عسقلانی، (۱۴۱۲ق)، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دار المعرفه.
۷. ابن خالویه، (۱۴۲۱ق)، *الحججه فی القرائات السبع*، بیروت: موسسه الرساله.
۸. ابن خلکان، احمد بن محمد، (۱۳۶۴ق)، *وفیات الأعیان واتباع ابناء الزمان*، به کوشش احسان عباس، قم: راه حق.
۹. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۸ق)، *طبقات الکبری*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۰. ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل، (۱۴۰۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. ابن مجاهد، احمد بن موسی، (۱۹۸۰م)، *الاسبعة فی القرائات*، تحقیق شوقی ضیف، مصر: دارالمعارف.
۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۵۰ش)، *الفهرست*، به کوشش رضا تجدد، تهران: راه حق.
۱۳. ابوشامه، عبدالرحمن، (۱۳۴۹ق)، *ابراز المعانی من حرز الامانی*، قاهره: مطبعه مصطفى البابی.
۱۴. _____، (۱۹۷۵ق)، *المرشد الوجیز*، به کوشش طیار آلتی قولاج، بیروت: دارصادر.
۱۵. ابو عمرو دانی، عثمان بن سعید، (۱۹۳۰م)، *التیسیر فی القرائات السبع*، به کوشش اتو پرتسل، استانبول: بی نا.
۱۶. _____، (۱۹۸۶م)، *المحکم فی نقط المصاحف*، دمشق: دار الفکر.
۱۷. امین، سید محسن، (۱۴۲۰ق)، *أعیان السیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۱۸. اندرابی، (۱۴۰۷ق)، **قرائات القراء المعروفین بروایات الرواة المشهورین**، بیروت: دارالعلم.
۱۹. البناء، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، **اتحاف فضلاء البشر**، به کوشش شعبان محمد اسماعیل، قاهره.
۲۰. پاکتچی، احمد، (۱۳۹۲)، **تأملاتی در مباحث فرهنگ اسلامی**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۱. پیشوایی، مهدی، (۱۳۸۴ش)، **سیره پیشوایان**، قم: دارالحق.
۲۲. جانی پور، محمد، (۱۳۹۳)، «حمزه»، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۳. _____، (۱۳۹۴)، **تحلیل اختلاف قرائات قرآنی از منظر صادقین (ع)**، رساله دکتری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۴. حازم سلیمان، (۱۴۰۸ق)، **الکوفیون و القرائات**، کوفه: جامعه الكوفه.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم: موسسه آل البیت.
۲۶. حموده، عبدالوهاب، (۱۹۴۸م)، **القراءات و اللهجات**، بیروت: دارالنشر.
۲۷. خطیب، عبداللطیف، (۲۰۰۰م)، **معجم القرائات**، دمشق، دار السعدین.
۲۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۹۷۱م)، **شرف اصحاب الحدیث**، به کوشش محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا: بی نا.
۲۹. خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۶ق)، **البيان فی تفسیر القرآن**، قم: موسسه احیاء آثار الامام خوئی.
۳۰. _____، (۱۴۱۳ق)، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة**، قم: دار الثقلین.
۳۱. ذهبی، شمس الدین محمد، (۱۹۶۷م)، **معرفة القراء الکبار**، به تحقیق سید جادالحق، مصر: مطبعة دارالکتاب الحدیث.

٣٢. _____ (١٣٨٨ق)، **تذکره الحفاظ**، حیدرآباد دکن: بی نا.
٣٣. _____ (١٤٠٥ق)، **سیر اعلام النبلاء**، به کوشش شعیب ارنوط و دیگران، بیروت: دارالعلم.
٣٤. _____ (١٤٠٦ق)، **الامصار ذوات الاثار**، به کوشش قاسم علی سعد، بیروت: دارالصادر.
٣٥. زبیدی، محمد مرتضی، (١٣٠٦ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، مصر: المطبعة الخیریه.
٣٦. الزبیدی، محمد حسین، (١٩٧٠م)، **الحیاء الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه فی قرن الاول الهجری**، بغداد: جامعه بغداد.
٣٧. زرکلی، خیرالدین، (١٩٩٩م)، **الأعلام**، بیروت: دارالعلم للملایین.
٣٨. زرقانی، عبدالعظیم، (١٤٠٩ق)، **مناهل العرفان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالکتاب العلمیه.
٣٩. سالم مکرم، عبدالعال، (١٣٨٩ق)، **اثر القراءات فی الدراسات النحویة (القرآن الکریم و اثره فی الدراسات النحویة)**، قاهره: مطبعة المجلس.
٤٠. سخاوی، علم الدین، (١٤١٣ق)، **جمال القراء و کمال الإقراء**، بیروت: دارالبلاغه.
٤١. سیوطی، جلال الدین، (١٣٦٣ش)، **الاتقان فی علوم القرآن**، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: منشورات رضی.
٤٢. صفری فروشانی، نعمت الله، (١٣٨١)، **ویژگی‌های مدرسه کوفه**، تهران: انجمن تاریخ پژوهان.
٤٣. طبری، محمدبن جریر، (١٤١٥ق)، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، به کوشش صدقی جمیل العطار، بیروت: دارالفکر.
٤٤. طوسی، محمد بن حسن، (١٤١٥ق)، **الرجال**، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم: موسسه النشر الاسلامی.
٤٥. کلینی، محمد بن یعقوب، (١٤٢٩ق)، **الکافی**، تصحیح دارالحديث، قم: دارالحديث.

۴۶. محسن، محمد سالم، (۱۹۷۴م)، *الارشادات الجلیة فی القرائات السبع من طریق الشاطیئة*، قاهره: مكتبة الكليات الازهریة.
۴۷. -----، (۱۹۸۴م)، *القرائات و اثرها فی علوم العربیة*، قاهره: مكتبة الكليات الازهریة.
۴۸. -----، (۱۹۷۸م)، *المقتبس من اللهجات العربیة*، قاهره: مكتبة الازهریة.
۴۹. مزى، يوسف، (۱۴۰۰ق)، *تهذيب الكمال*، به كوشش بشار عواد معروف، بیروت: دارالعلم.
۵۰. نصر بن مزاحم، (۱۳۸۲ق)، *وقعة الصفيين*، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره: دارالعلم.
۵۱. نجاشى، احمد بن على، (۱۴۱۶ق)، *فهرست اسماء مصنفى الشيعة*، قم: موسسه نشر اسلامى.

Bibliography:

1. *The Holy Quran.*
2. Abu Shāmah, 'AR. *'Ibrāz al-Ma'ānī min Ĥirz al-'Amānī.* Cairo: Mustafa Al-Bābī Publishing House; 1349 AH.
3. Abu 'Amr Dānī, OS. *al-Thaysīr fi al-Qirā'āt al-Sab'*. By the endeavor of Otto Pertsel. Istanbul: n.p.; 1930.
4. Abu 'Amr Dānī, OS. *al-Muḥkam fi Nuḡaṭ al-Masāḥif.* Damascus: Dar al-Fikr; 1986.
5. Amin, SM. *'A'yān al-Shī'ah.* Beirut: Dar al-Ta'āruf li al-Maṭbū'āt; 1420 AH.
6. Andarābī. *Qirā'āt al-Qurrā' al-Ma'rūfīn bi Riwayāt al-Ruwāt al-Mashhūrīn.* Beirut: Dar al-'Ilm; 1407 AH.
7. Al-Bannā', AM. *'Ithāf-u Fuḍalā' al-Bashar.* By the endeavor of Sha'ban Muhammad Ismail. Cairo: n.p.; 1407 AH.

8. Pakatchi, A. *Ta'ammulātī dar Mabāhith-e Farhang-e Islīmī (Some Considerations on the Issues of Islamic Culture)*. Tehran: Imam Sadiq University Publication; 2013.
9. Pīshwāyī, M. *Sīrey-e Pīshwāyān (Biography of The Infallibles)*. Qom: Dar al-Haq; 2005.
10. Jānīpour, M. "Hamza". In: *The Great Encyclopedia of Islam* by: Kāzem Mousavi Bojnourdī. Tehran: The Great Encyclopedia of Islam Publications; 2014.
11. Jānīpour, M. *Tahlīl-e Ekhtelāf-e Qirā'āt-e Qur'ānī az Manzar-e Sādeqayn –PBUTH (Analysis of the Difference of Qur'anic Readings from the Viewpoint of Sādeqayn -PBUTH-)*. (PhD. Thesis). Tehran: Imam Sadiq University; 2015.
12. Hāzīm Sulaymān. *Al-Kūfiyūn wa al-Qirā'āt*. Kufa: Al-Kufa University; 1408 AH.
13. Hurr 'Amilī, MH. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'ah ilā Tahṣīl Masā'il al-Sharī'ah*. Qom: Āl al-Bayt Institute; 1409 AH.
14. Ḥamūdah, 'AW. *Al-Qirā'āt wal-Lahajāt*. Beirut: Dar al-Nashr; 1948.
15. Khaṭīb, A. *Mu'jam al-Qirā'āt*. Damascus: Dar al-Sa'dayn; 2000.
16. Khaṭīb Baghdādī, AA. *Sharaf Aṣḥāb al-Ḥadīth*. By the endeavor of Muhammad Sa'id Khaṭīb Awghalī. Ankara: n.d.; 1971.
17. Khū'ī, S'A. *Al-Bayān fī Tafṣīr al-Qur'an*. Qom: institute for Revival of Imam al-Khū'ī's Works; n.d.
18. Dhahabī, MA'U. *Ma'rifat al-Qurrā' al-Kibār*. Research by: Sayed Jād al-Ḥaq. Cairo: Dar al-Kitāb al-Hadīth Publishing House; 1967.
19. Dhahabī, MA'U. *Sīyaru 'A'lām al-Nubalā'*. By the endeavor of Shu'ayb Aranwūṭ et all. Beirut: Dar 'Ilm; 1405 AH.
20. Dhahabī, MA'U. *Tadhīrat al-Ḥuffāḍ*. Hyderabad; n.p.; 1388 AH.
21. Ibn Jazarī, MM. *Ṭabaqāt al-Qurrā'*. Beirut: Dar al-Kutub aal-'Ilmīyah; 1986.
22. Ibn Janī Al-Mūṣalī. *Al-Muḥtasab*. Mecca: Ministry of 'Awqāf; 1420 AH.
23. Aṣḥalānī, AAḤ. *Fath al-Bārī fī Sharḥ-i Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1412 AH.

24. Ibn Jazarī, MM. *Al-Nashr fil-Qirā'āt al-'Ashr*. Cairo: Mustafa al-Babi's Printing House; 1967.
25. Ibn Kathīr, 'I'U. *Tafsīr al-Ḳur'ān al-'Aẓīm*. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1409 AH.
26. Ibn Khāliwayh. *Al-Hujjah fi al-Qirā'āt al-Sab'*. Beirut: The Institute of Al-Risālah; 1421 AH.
27. Ibn Khalakān, AM. *Wafayāt al-'A'yān wa 'Atbā'-u 'Abnā' al-Zamān*. By the endeavor of Ehsan Abbas. Qom: n.p. 1364 AH.
28. Ibn Ṣa'd, M. *Al-Ṭabaqāt al-Kubrā*. Edited by: Muhammad 'Abdulḳādir 'Aṭā. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah; 1418 AH.
29. Ibn Mujāhid, AM. *Al-Sab'at-u fi al-Qirā'āt*. Research by: Shawqī Ḍayf. Egypt: Dar al-Ma'arif; 1980.
30. Ibn Nadīm, MI. *al-Fihrist*. By the endeavor of Reza Tajaddud. Tehran: Ḥaq Publications; 1972.
31. Khuyī, S'A. *Mu'jam-u Rijāl al-Hadīth wa Tafṣīl-u Ṭabaqāt al-Ruwāt*. Qom: Dar al-Thaqalayn; 1413 AH.
32. Kulaynī, MY. *Al-Kāfi*. Edited by Dar al-Hadith. Qom: Dar al-Hadith; 1429 AH.
33. Mohsen, MS. *Al-'Irshādāt al-Jalīyah fi al-Qirā'āt al-Sab' min Ṭarīq al-Shāṭibīyah*. Cairo: Maktabat al-Kulīyāt al-'Azharīyah; 1974.
34. Mohsen, MS. *Al-Qirā'āt wa 'Atharuhā fi 'Ulūm al-'Arabīyah*. Cairo: Maktabat al-Kulīyāt al-'Azharīyah; 1984.
35. Mohsen, MS. *Al-Muqtabas min al-Lahajāt al-'Arabīyah*. Cairo: Maktabat al-Kulīyāt al-'Azharīyah; 1978.
36. Mizzī, J'AHY. *Tahdhīb al-Kamāl fi 'Asmā' al-Rijāl*. By the endeavor of Bashār 'Awād Ma'rūf. Beirut: Dar al-'Ilm; 1400 AH.
37. Nasr ibn Muzāhim. *Waq'at-u Ṣiffīn*. By the endeavor of Abdu Salam Muhammad Haroun. Cairo: Dar al-'Ilm; 1382 AH.
38. Najāshī, AA. *Fihrist 'Asmā' Muṣanniṣī Shī'a*. Qom: The Institute of Islamic Publications; 1416 AH.
39. Suyūṭī, JD'AR. *'Al-'Itḳān fi 'Ulūm al-Qur'an*. Edited by Muhammad 'Abulfaḍl Ibrahim. Qom: Raḍī Publications; 1985.

40. Safarī Foroushānī, N. *Wīzheghihāy-e Madrisiy-e Koufa (Features of Koufa School)*. Tehran: The Society of Historians; 2002.
41. Ṭabarī, MJ. *Jāmi' al-Bayān 'An Ta'wīl 'Āya al-Qur'an*. By the endeavor of Ṣidqī Jamil 'Aṭār. Beirut: Dar al-Fikr; 1415 AH.
42. Ṭūṣī, MH. *Al-Rijāl*. By the endeavor of Jawad Qayūmī Esfahānī. Qom: Al-Nashr al-Islāmī Institute; 1415 AH.
43. Zubaydī, MH. *Al-Ḥayāt al-'Ijtīmā'īyyah wal-'Iqtisādīyah fī al-Kūfah fīl-Qarn al-Awwal al-Hijrī*. Baghdad: Baghdad University.
44. Zarklī, Kh. *Al-'A'lām*. Beirut: Dar al-'Ilm Li al-Malāin; 1999.
45. Zarqānī, M' A' A. *Manāhi al-'Irfān fī 'Ulūm al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīyah; 1409 AH.
46. Sālīm Mukram, 'A. *'Athar al-Qirā'āt fī al-Dirāsāt al-Naḥwīyah (Al-Qur'an al-Karīm wa 'Atharuhū fī al-Dirāsāt al-Naḥwīyah)*. Cairo: Al-Majlis Publishing House; 1389 AH.
47. Sakhāwī, 'ID. *Jamāl al-Qurrā' wa Kamāl al-'Iqrā'*. Beirut: Dar al-Balāghah; 1413 AH.
48. Zubaydī, MM. *Tāj al-'Arūs mīn Jawāhir al-Qāmūs*. Cairo: Al-Khayrīyah Publishing House; 1306 AH.
49. Najash, Ahmad Bin Ali, *List of Asma-e-Musa'fī-al-Shi'a*, Qom: Islamic Publishing Institute, 1416 AD.
50. Ibn Jazarī, MM. *Ghāyat al-Nihāyah fī Ṭabaqāt al-Qurrā'*. Edited by Bergeshterser. Cairo: Maktab al-Khānjī; 1960.